

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی (سعید افغانی)

۱۳ سپتمبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲۱

ترجمه و تفسیر سوره البینه - ۳

نواقض اسلام عبارتند از:

اول: شرک آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شریک قائل شدن.

خداوند می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ (سوره النساء ۱۱۶)). (خداوند نمی بخشد که به او شرک آورده شود، و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می آمرزد).

ومی فرماید: (مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (سوره المائدة آیت ۷۲)) (بی گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است، و ستمکاران یاورانی ندارند).

و از جمله شرک در عبادت خداوند متعال دعا کردن مردگان و طلب مدد خواستن از آنهاست، و همچنین نذر کردن و ذبح و قربانی برای آنهاست.

دوم: کسی که بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه چیزی بخواهد (یعنی دعای خود را متوجه او سازد) و از او شفاعت بطلبد و بر او توکل کند، چنین اشخاصی اجماع علماء و دانشمندان اسلام بر کفر آنان است.

سوم: کسی که مشرکان را کافر نداند، و یا این که در کفر آن مشرکان شک و تردید داشته باشد، و یا این که مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است.

چهارم: کسی که اعتقاد داشته باشد که هدایت و دستورهای غیر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم کاملتر و بهتر است از هدایت و دستورهای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، و یا این که بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله صلی الله علیه وسلم بهتر است از حکم و قضاوت پیامبر صلی الله علیه وسلم، مانند کسانی که حُکْم و قضاوت طواغیت (قوانین رسمی کشوری) را که غیر شرعی باشد بر قوانین شرعی و دینی برتری می دهند و اینها همه کافر می باشند.

پنجم: کسی که به چیزی از آنچه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای امت اسلامی از هدایت بشری و قضاوت و حُکْم به قرآن و سنت آورده، بَغْض ورزد، اگر چه به آن حکم عمل کند، در حالی که از آن نفرت دارد، باز هم جزو کافران می باشد.

خداوند متعال می فرماید: « ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ » (سوره محمد آیت ۹). (این از آن است که آنان آنچه را که خدا نازل کرده است ناخوش داشتند، در نتیجه خداوند اعمالشان را تباہ کرد).

ششم: هر کسی که به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و ریشخند کند، همان دینی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را از طرف باری تعالی آورده، و یا از ثواب و نیکی و پاداش آن، و یا از جزاء و عقاب و کیفر آن، کافر شود، و دلیلش قول تبارک و تعالی است که می فرماید: (قُلْ أَبِإِلَهِهِ وَأَيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ) (۶۵) لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ (۶۶)). (التوبة). (بگو: آیا بخدا و آیات او و رسولش ریشخند می کردید؟ عذر نیاورید، برآستی که پس از ایمانتان کفر پیشه کردید).

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن می شود از قبیل طردستی بین دوستان و جلب آن برای دیگران و کسی که آن را انجام دهد، و یا از آن راضی شود کافر گردد و دلیل قول تبارک و تعالی است که می فرماید: (وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ) (سوره البقرة آیت ۱۰۲). (و آن دو فرشته) به هیچ کسی (جادو) نمی آموختند مگر آن که می گفتند: ما تنها (مایه) آموزنی هستیم، پس (با به کار گیری جادو) کافر مشو).

هشتم: پشتیبانی کردن از مشرکان و یاری کردن آنان به ضد مسلمانان، و دلیل آن قول باری تعالی است که می فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (سوره المائدة آیت ۵۱). (و هرکس از شما آنان را (یهود و نصاری) دوست گیرد، برآستی که خود از آنان است، بی گمان خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند).

نهم: کسی که معتقد باشد که بعضی از مردم می توانند از شریعت و دین محمد صلی الله علیه وسلم خارج شوند کافر می باشد.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (سوره آل عمران آیت : ۸۵) (و هرکس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است).

دهم: روی گردانی و اعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن.

و دلیل آن خداوند می فرماید: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ» (سوره السجدة آیت ۲۲) (و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش پند یابد آنگاه از آن روی بگرداند، بی گمان ما از گناهکاران انتقام خواهیم گرفت).

و در تمامی این نواقض و مخالفتها بین این که انسان جدی باشد و یا این که شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسی که مکره یعنی مجبور شود به انجام آن عمل در حالی که او راضی نیست. و همه اینها از امور خطرناکی است که ممکن است مردم در آن واقع گردند.

پس بر مسلمان لازم است از آنها بر حذر باشد و بترسد از این که در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد.

مقدم و بهتر دانستن قوانین بشری بر قوانین آسمانی :

در مخالفت و نواقض چهارم برخی از مسائل را مورد بحث قرار دادیم ولی بهتر می دانیم که در توضیح این موضوع اضافات ذیل را نیز بیفزایم :

هر شخصی که اعتقاد داشته باشد که قوانین وضعی و رسمی کشور که مردم آن را اختراع کرده اند و ساخته بشر است از قوانین الهی و آسمانی بهتر است.

یا این که بگوید دستور اسلام برای قرن بیستم غیر قابل قبول است.

و یا این که بگوید شریعت الهی (دین اسلام) سبب خسارت و عدم پیشرفت، و سبب عقب ماندگی مسلمانان در قرن بیستم شده است.

یا این که بگوید دین اسلام فقط واسطه و رابطه ای است بین خدا و بنده و هیچ ربطی در سایر شؤون زندگی ندارد، پس کسی که این اعتقاد را داشته باشد نیز کافر است.

زیرا با این عمل و اعتقاد آنچه به طور اجماع مسلمانان خداوند آن را حرام کرده، او آن را حلال دانسته است، و کسی چیزی از آنچه خداوند حرام دانسته و حرمت آن واضح و آشکار باشد، مانند زناکاری و شرابخواری و رباخواری و قضاوت و حکم به غیر از شریعت الهی آن شخص به اجماع مسلمانان کافر است. (عبدالعزیز بن عبدالله بن باز) بنابراین کسی که مرتکب یکی از موارد فوق شود کافر می گردد.

البته نکته مهمی باید رعایت شود و آن اینست که اگر کسی مرتکب اعمال نواقض اسلام شود نباید بلافاصله وی را تکفیر نمود بلکه خود تکفیر نمودن دارای قواعد و ضوابطی است که نباید در آن تعجیل شود و دست به تکفیر مردم زد، در زیر به بررسی شرایط تکفیر خواهیم پرداخت:

برای تکفیر نباید عجله کرد و شخصی که از اسلامش یقین حاصل شد با شک نمی توان اسلام را از وی سلب نمود و لازمست شروط تکفیر پدید آمده باشند و موانع آن برطرف شده باشد که در ذیل به بررسی آن می پردازیم: وظیفه مسلمان این است که دیگران را با بصیرت و آگاهی به سوی خداوند دعوت کند، و به کسی امر نشده که در مورد نهانی های مردم حکم کند پس هرکس شهادتین را با زبان بگوید و به مقتضیات آن عمل کند در ظاهر به اسلام و مسلمان بودنش حکم می شود و مادامی که حرفی یا عملی را انجام نداده که او را از دایره اسلام خارج کند جایز نیست او را تکفیر کنیم و بر این سخن دلایل واضحی از قرآن و سنت وجود دارد و سلف صالح این امت بر آن اجماع کرده اند.

۱- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: *أَيُّمَا امْرِي قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرُ فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدُهُمَا إِنْ كَانَ كَمَا قَالَ وَإِلَّا رَجَعْتُ عَلَيْهِ* «هرگاه شخصی به برادرش بگوید ای کافر قطعاً این کلمه به یکی از آن دو برمی گردد اگر آن گونه که گفت، باشد، کافر است و گرنه این کلمه به خود گوینده آن برمی گردد».

۲- از ابوزر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: *مَنْ دَعَا رَجُلًا بِالْكَفْرِ أَوْ قَالَ عَدُوَّ اللَّهِ وَلَيْسَ كَذَلِكَ إِلَّا حَارَ عَلَيْهِ* «هرکس به شخصی برچسب کفر بزند یا به او بگوید ای دشمن خدا و او آن گونه نباشد (که او می گوید) جز این نیست که این کلمه به خود او برمی گردد».

در این آیات و احادیث کسی که کلمه کفر را بر برادر مسلمانش بدون دلیل اطلاق کند به شدت تهدید شده است و از این که بر الله بدون علم سخن بگوید به شدیداً برحذر شده است.

بعضی از اقوال سلف در مورد دوری از تکفیر:

امام احمد حنبل رحمه الله می گوید: «همانا قبول کردن، حرام کردن، پاداش و عذاب و تکفیر و فاسق کردن حق الله و رسولش است و کسی حق چنین حکمی را ندارد و بر مردم واجب است که آن چه الله و رسولش واجب کرده اند، بپذیرند و آن چه که خدا و رسولش حرام کرده اند حرام بدانند و آن چه خدا و رسولش خبر داده اند تصدیق کنند». از آیات و احادیث و کلام سلف صالح برای ما روشن می شود که تکفیر از احکام شرعی است که حکم آن به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم برمی گردد و منهج سلف صالح نیز همین است و جایز نیست برای کسی با اجتهاد و یا ظن و گمان خود یا تنها به حکم عقل خود کسی را تکفیر نماید....

خلاصه سخن این که : بر مسلمان واجب است که در این مورد بدون علم و آگاهی و دلیل از قرآن و سنت سخن نگوید زیرا که وارد کردن و یا خارج کردن کسی از دایره اسلام از بزرگترین امور دین است و در این مورد همانند سایر موارد دین، خدا و رسول برای ما کافی است پس در کل حکم در این مورد از آشکارترین احکام دین است و بر ما واجب است که از خدا و رسولش پیروی کنیم و از بدعت گذاری دوری گزینیم .

ضوابط تکفیر:

بعد از آن که دلایلی از تحریم تکفیر مسلمان را بدون برهان و دلیل واضح بیان کردیم حال باید ضوابط حکم تکفیر را بدانیم. در این مورد باید دو قاعده مهم و اساسی را بدانیم:

قاعده اول: کسی که قول یا عملی را انجام داده که طبق نصوص (قرآن و سنت) کفر است اما به خاطر وجود موانع و منتهی بودن شروط آن، حکم تکفیر وی صادر نمی گردد .

به همین خاطر به مجرد این که از شخص مسلمانی قول یا عملی کفر آمیز صادر شود مگر بعد از اقامه حجت و بر طرف نمودن شبهه حکم تکفیر وی صادر نمی گردد و او از دایره اسلام خارج نمی شود.

اهل بدعت از جمله خوارج ، روافض ، قدریه و جهمییه با این قاعده مخالفت کرده اند و آنان بدون اقامه حجت و بر طرف نمودن شبهه افراد را تکفیر می نمایند بلکه مخالفان را بدون انجام قول یا عمل کفر آمیزی تکفیر می کنند .

قاعده دوم: هر گناهی که کفر نامیده شود آدمی را از دایره اسلام خارج نمی کند زیرا کفر دو نوع است : کفر اصغر و کفر اکبر ؛ لذا بعضی از گناهان کفر نامیده می شوند در عین حال شخص را از دایره اسلام خارج نمی کند همان طور که در فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: «أَثْنَانِ فِي النَّاسِ هُمَا يَهُمُّ كُفْرُ الطَّعْنِ فِي النَّسَبِ وَالنِّيَاحَةُ عَلَى أُمَّتٍ» «دو کار در بین مردم وجود دارد که کفر می باشند طعن زدن در نسب و نوحه خوانی بر مرده». اهل سنت و جماعت اجماع کرده اند که این دو گناه کبیره انسان را از دایره اسلام خارج نمی کند بلکه کفر دون یا کفر اصغر می باشند.

بعد از این دو قاعده و دلایلی که در مورد آن ها ذکر شد حال شایسته است که شروط و موانع تکفیر را که علماء ذکر کرده اند، بشناسیم.

شروط و موانع تکفیر:

با بررسی و تحقیق در قرآن و سنت و تبعیت از اقوال سلف در می یابیم که شروط تکفیر در موارد زیر خلاصه می گردد :

- ۱- از او قول و عمل کفر آمیزی ظاهر شود هر چند که ادعای اسلام را داشته باشد .
- ۲- به او حجت و دلیلی در تبیین حق و از بین رفتن شبهه رسیده باشد؛ و این حجت و دلیل اگر از اهل علم و رأی است، نزدش ثابت باشد .
- ۳- بالغ و عاقل باشد .
- ۴- به سبب تازه مسلمان بودنش معذور نباشد.
- ۵- مجبور نشده باشد .
- ۶- به سبب زندگی در صحرا که از علم و اهل علم دور است، جاهل نباشد.

موانع حکم تکفیر:

حال که شروط تکفیر را دانستیم در مقابل این شروط موانع تکفیر قرار دارند که عبارتند از:

- ۱- آن چه موجب کفر قولی یا عملی می گردد در او ظاهر نشود.
 - ۲- بر او حجت دلیل اقامه نشده باشد حال یا فقط به خاطر عدم بلوغش و یا به سبب داشتن شبهه در قلبش، یا جهل نسبت به آن به علت دوری از بلاد اسلامی.
 - ۳- بچه، دیوانه یا پیری نباشد که نمی داند چه می گوید.
 - ۴- جهل به آن چه که نسبت به آن حجت اقامه می شود مانند این که کسی از اهل علم یافت نشود که بر او دلیل و حجت اقامه کند یا این که نسبت به کفرش معذور باشد مانند کسی که در صحرا زندگی کرده یا تازه مسلمان شده و احکام شرعی را نمی داند.
 - ۵- مجبور شدن به قول یا عملی کفر آمیز؛ همان طور که خداوند متعال می فرماید: «إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» «جز کسی که مجبور شده در حالی که قلبش با ایمان آرام و مطمئن است».
- این موارد بعضی از قواعد و شروط و موانع تکفیر بود که علماء آن را بیان کرده اند پس بر هر مسلمانی واجب است که آن ها را رعایت و بر آن ها توقف کند. به خاطر سرعت گرفتن بیشتر مردم در مورد حکم در باره مسلمانان بدون علم، فتنه بزرگی حال به سبب جهل و یا دوری آن ها از علماء یا به سبب داشتن شبهه و ضعف و سستی در قلب هایشان به وجود آمده است.
- راه نجات از این فتنه بزرگ بازگشت به کتاب و سنت و متمسک شدن به ریسمان خداوند (قرآن و سنت) و پیروی از علمای ربانی سلف و مصلحان هدایت گر است.
- عمر بن عبدالعزیز می گوید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم و والیان امر بعد از ایشان سنت هائی را وضع کردند: متمسک شدن به آن، تصدیق کتاب خدا، کامل شدن اطاعت خدا و قوتی بر دین خداست؛ برای کسی جایز نیست که آن را تغییر دهد و رأیی مخالف آن ها داشته باشد هرکس به وسیله آن ها هدایت شود، او هدایت یافته است و هرکس به وسیله آن ها طلب یاری کند، یاری شده است و هرکس مخالف آن باشد و از راه غیر مؤمنان تبعیت کند خداوند از او روی گردان شده و او را وارد جهنم می کند که بد سرانجامی است».
- صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب:

معلومات مؤجز

فضیلت سوره بینه

محتوای سوره

اسباب نزول

ترجمه و تفسیر

« خَيْرُ الْبَرِيَّةِ » در احادیث نبوی

خشیت چیست؟

عبادت الله از روی محبت و خوف

فرق بین کافر و مشرک

نواقض اسلام

بعضی از اقوال سلف در مورد دوری از تکفیر

ضوابط تکفیر

شروط و موانع تکفیر

موانع حکم تکفیر

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعیدی افغانی »

۱۳ اگست ۲۰۱۶